

فرمانده لاله

روایتی مستندی از زندگی سردار شهید پرویز محبی

فرمانده سپاه ماسال و چوکا

۱۳۳۷-۱۳۶۰

جواد کلاته عربی

فرمانده لاله‌ها

روایت مستندی از زندگی سردار شهید پرویز محبی
فرمانده سپاه ماسال و چوکا



Revayat 27 Publications

نگارش: جواد کلاته عربی

تحقیق: جواد کلاته عربی - محمدجعفر جعفری

ناشر: گل علی بابایی - مازیار حاتمی

نمونه خوان: مطهره مرادیگی

طراح: محمد رحیمی شاهی

صفحه آرا: ریش ناصور؛ فاطمه اصلانی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولیعصر

و خیابان فلسطین، خیابان برادران شهید مظفر (شمالی)

پنجاه و یکم، پلاک ۴ تلفن: ۶۶۹۶۴۰۶۹ - ۶۶۹۶۴۰۷۱

سرشناسه : کلاته عربی، جواد، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور : فرمانده لاله‌ها : روایت مستندی از زندگی شهید پرویز محبی فرمانده سپاه ماسال و چوکا ۱۳۶۰ - ۱۳۹۰ نگارش: جواد کلاته عربی ؛ تحقیق: جواد کلاته عربی، محمدجعفر جعفری، مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سپاه رسول‌الله (ص) تهران بزرگ، موسسه حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، مرکز مطالعات پژوهشی ۲۷ بعثت، انتشارات ۲۷ بعثت، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۱۶۸ ص. : مصور. : ۲۱×۱۴ سم.

شابک : ۹۷۸۶۰۰۷۶۷۳۶۶۸ : ۱۱۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا

موضوع : محبی، پرویز، ۱۳۲۷ - ۱۳۶۰.

موضوع : شهیدان - ایران - ماسال - بازماندگان - خاطرات

موضوع : Martyrs - Iran - Masal - "Survivors - Diaries"

شناسه افزوده : جعفری، محمدجعفر، ۱۳۶۲ -

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. سپاه محمد رسول

الله (ص) تهران بزرگ، نشر بیست و هفت

شناسه افزوده : Islamic Revolution Iranian Revolutionary

۲۷. Guards . Army of Prophet Mohammad in Tehran

publications

رده بندی کنگره : DSR1۶۶۸ / ۲۵م/ ۱۳۹۷

رده بندی دیویی : ۸۴۳۰۹۱/۹۵۵ -

شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۳۷۳۷۶

جهت آشنایی و اطلاع از سایر محصولات نشر ۲۷، عدد ۲۷ را به ۳۰۰۰۲۱۹۰۲۷ پیامک کنید ●

Website : www.revayat27.com

Telegram Channel : @revayat27

مقدمه نگارنده

انگیزه اصلی نگارش این کتاب، دینی بود که مردم یک شهر نسبت به یک شهید احساس می‌کردند. جوان کوتاه‌قد و لاغر اندازی که هنوز در چشم همه بزرگ است و هرچه می‌گذرد، اسطوره بودنش، بیش از پیش جلوه می‌کند.

ابتدا قرار بود نگارش زندگی‌نامه او با متن مصاحبه‌ای آغاز شود که از قبل به دستم رسیده بود. اما خیلی زود دریافتم، حرف‌های گفته‌شده بی‌یاری وجود دارد که خودم باید بشنوم، علاوه بر اینکه منطقه زندگی شهید را به خاطر بزرگی‌هایش، باید از نزدیک مشاهده می‌کردم. برای همین، رفتم ماسال؛ شهری کنار کوه‌ها و بیلاقات تالش. با خانواده‌اش، دوستان کوچه و خیابانش، همکارانش و کسانی که اسلحه به دست، کنارش رزمیده بودند، صحبت کردم. ازشان خواستم آنچه از پرویز دیده و شنیده‌اند، بگویند و خاطراتشان را قدم به قدم مرور کنند. تا جایی که ذهنشان یاری می‌کرد، خاطره می‌گفتند و صحبت می‌کردند، اما گاه پیش می‌آمد نیم‌خیز می‌شدند، لحن عوض می‌کردند و واژه‌ها را در توصیف او به سختی پیدا می‌کردند؛ یعنی بعضی چیزها را نه من می‌توانم بگویم، نه تومی‌توانی

بفهمی! این، حس مشترک همه‌شان بود. در آن چند روز، هیچ‌کس را نیافتم که در برابر روح بزرگ او زبان به تقدیس و تجلیل باز نکند و من عجز گفتارشان را در بیان احوالات پرویز محبی درک نکرده باشم. دست آخر، من ماندم و حس غریبی که دوست داشت پرویز درون آنها را بشناسد.

فرمانده لاله‌ها» براساس گفته‌های شاهدان عینی و دست‌نوشته‌های شهید، زندگی و زمانه پرویز محبی می‌پردازد. براین اساس، نگارنده کوشیده است به دنبال رسمیت و باوری از شخصیت محوری کتاب، بر زمین واقعیت‌ها باشد. خاطرات مشترک، مباحثه‌شونده‌ها با پرویز و بخش‌هایی از تاریخ سیاسی-اجتماعی شهرها، مال و بعضی شهرهای استان گیلان (به روایت همان‌ها) در دهه‌های ۴۰ تا ۶۰ شمسی، اساس کار نگارش کتاب بود. همچنین، یک بخش کامل از کتاب (فعالیت اجتماعی در شهرداری شیراز) براساس اطلاعات دفترچه یادداشت شخصی شهید شکل گرفت. بنابراین، تحلیل‌ها و ظن‌وگمان‌ها، نمی‌توانستند هیچ‌یک از قطعات این پازل را تشکیل دهند. این روایت‌ها در متن کتاب با زاویه دید سوم شخص مفرد عرضه شده است. اما لابه‌لای متن کتاب، روایت برخی خاطرات را به دست راوی‌هاشان سپردم و از زاویه دید اول شخص مفرد استفاده کردم.

همچنین از گفته‌هایی بهره بردم که خیلی‌ها از اعماق جان می‌گفتند و چکیده فهم آنها از پرویز بود؛ حرف‌هایی که سال‌ها در دلشان ته‌نشین شده بود و احساس می‌کردم از جنس شهود باشد. این روایت‌ها که گاهی آمیخته با نمودهای بیرونی رفتار پرویز است، دستمایه استفاده من از زاویه دید دوم شخص مفرد شد. از این متن‌ها که بار عاطفی هم دارند و به نوعی، نخواستار نگارنده با شخصیت

اصلی کتاب است، به عنوان ورودی کوتاهی در آغاز فصل‌های کتاب استفاده شده است.

موضوع نگارش این کتاب را مازیار حاتمی مطرح کرد و خاطراتی که از شهید پرویز محبی گفت، انگیزه‌ام را برای انجام کار، برانگیخت. به علاوه، زحمت بعضی ماهنگی‌ها و پشتیبانی‌ها با او بود. محمدجعفر جعفری از قبل، زحمت چندین مصاحبه را کرده بود و اسناد و عکس‌های پرویز محبی را جمع‌آوری کرده بود. در زمان سفر به مشهد شهید نیز زحمت همه چیز با او بود؛ هماهنگی با مصاحبه‌شونده‌ها و بازدید از منطقه. از این دو عزیز، صمیمانه سپاسگزارم.

همچنین تشکر می‌کنم از: اسماعیل محبی، ولی‌الله عظمتی، بهمن محمدیاری، شهریار نظیفی، قاسم قنبری، سیدعیسی صفوی، فتح‌الله جباری، رضا حق‌جو، رامبد جوادی، آقای قهرمانی، آقای زراعتی، قسمت راستین (خانی)، جمشید سلیمانی، عسگر واحدی، مسعود زهرابی، محمدحسن صفوی، عبدالله رحمتی‌پور، محمد محمدیاری، علی ژرف، بدرا شیرین‌زاد، مهناز محبی، عذرا موسوی و عزیزان دیگری که ما را در شنیدن خاطراتشان از شهید پرویز محبی سهیم کردند؛ از خانواده محترم شهید که در زمان تحقیق و در حین نگارش کتاب، مساعدت لازم را مبذول داشتند؛ از آقای علیرضا صمدی که دفترچه یادداشت‌های شخصی و بخش عمده‌ای از اسناد و تصاویر شهید را در اختیارمان قرار داد؛ از خانم‌ها نگار علی‌نژاد، فرشته اللهیاری و آتنا یوسفی که زحمت پیاده‌سازی و تایپ مصاحبه‌ها را کشیدند؛ از سازمان بسیج دانشجویی استان گیلان برای همکاری در مراحل تولید و از همسر، فاطمه کنشلو برای بازخوانی متن کتاب و بیان نکاتی چند.